

مسکن و محیط زیست

شماره ۱۴۹ ♦ بهار ۹۴

ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی

(مطالعه موردی: دهیاری‌های شهرستان ایوان، استان ایلام)

شاه‌بختی رستمی*، فاطمه مظفری**، جواد رحیمی مقدم***، امیرعلی ذوالفقاری****

۱۳۹۱/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۳/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

فارغ از موفقیت یا ناکامی، تاریخ روستایی ایران سرشار از مثال‌هایی متفاوت در باره شیوه‌های مدیریت در مناطق مختلف آن است. مدیریت روستایی در ایران به شیوه‌های گوناگونی تحقق یافته است. این مدیریت همچنین فراز و فرودهای زیادی را به لحاظ قانونی و ساختاری تجربه کرده است. با این حال، فقدان مدیریت مؤثر روستایی در بیشتر روستاها مشکلات زیادی برای روستائیان در دوره‌های مختلف تاریخ گذشته به‌ویژه قبل از دهه ۱۳۴۰ به وجود آورده است. لازم به یادآوری است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، سازمان‌ها و ارگان‌های مختلفی برای مدیریت روستاها تشکیل شدند از جمله: شوراهای اسلامی روستایی، خانه همیار و دفتر عمران روستایی. هر کدام از موارد نام برده شده در کارنامه خود دارای موفقیت یا ناکامی‌هایی بوده‌اند، متها کفه ناکامی گاه سنگین‌تر از موفقیت بوده است. فقدان یک نظام مدیریت جامع روستایی و ناکامی اجتماعی سازمان‌ها و ارگان‌های متولی، از مهم‌ترین عوامل بسیاری از مشکلات روستایی بوده‌اند. بعد از سال‌ها آزمون و خطا، بالاخره در سال ۱۳۷۴ قانون «شوراها» و بعد در سال ۱۳۷۷ قانون «دهیاری‌ها» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیدند تا مسئولیت‌ها را به گروه مدیران جدید روستایی بسپارند.

این پژوهش با هدف ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی در شهرستان ایوان غرب، استان ایلام صورت گرفته است. نوع تحقیق بنیادی - کاربردی و روش انجام آن اسنادی - پیمایشی است. بعد از تهیه چارچوب نظری و بررسی پیشینه، برای کسب اطلاعات لازم اقدام به تهیه دو نوع پرسشنامه و انجام عملیات میدانی شده است. جامعه نمونه شامل ۲۰۰ خانوار و ۱۶ دهیار در ۱۶ روستا می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیات این تحقیق نشان داد که:

- * دهیاران در تعامل با نهادهای دولتی و شوراها موفق عمل کرده‌اند.
- * تفاوت معناداری بین عملکرد دهیاران در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی دیده نشد.
- * آموزش و سطح تحصیلات در عملکرد دهیاران نقش داشته است.
- * ضعف امکانات دهیاری، مشکلات اقتصادی مردم و اخذ عوارض و کمک‌های نقدی و یدی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی دهیاران بوده است.

واژگان کلیدی: مسکن بومی، سکونت، ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی، شیوه‌های زیستی.

* استادیار دانشگاه پیام نور، گروه جغرافیا، تهران.

** دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران، دانشکده هنر و معماری. ansari_m@modares.ac.ir

*** مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام.

**** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی.

مقدمه

ضرورت وجود مدیریت و رهبری در جامعه از بدیهیات اولیه و مورد اشاره در منابع گوناگون است (وایلز، ۱۳۷۲: ۲۴). در جهان امروز مناسبات جوامع آنچنان به هم گره خورده است که فقدان یک الگوی مدیریتی باعث بازماندگی از قافله جهانی و انزوای روزافزون خواهد شد. روستا به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی و تشکیلاتی در ایران از این قاعده کلی مستثنی نیست. نظام مدیریت روستایی ایران طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای سیاسی و اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته است. خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاهای ایران در مقاطعی از ادوار گذشته، در مقایسه با تجربیات سایر کشورها (مخبر، ۱۳۶۵: ۲۰۳) نشان‌دهنده نوسانات بیش از حد و ناپایداری تاریخی این مدیریت است. این مسئله به‌خصوص در دهه‌های اخیر مشکلاتی را برای روستائیان ایجاد نموده است (صیدایی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). اگرچه در سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تشکیلات گوناگونی با عناوین مختلف شورای اسلامی، خانه همیار و دفتر عمران روستایی در روستاها شکل گرفت، ولی فقدان نظام واحد مدیریتی و ناپایداری آن نهادها از مهم‌ترین ویژگی‌های آن‌ها بود. بعد از سال‌ها آزمون و خطا، بالاخره برای اداره امور روستاها از جانب دولت در سال ۱۳۷۵ قانون شوراها و در سال ۱۳۷۷ قانون تشکیل دهیاری‌های خودکفا به تصویب رسید و اداره امور روستاها به دهیاری‌ها واگذار شد (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۸۵).

تشکیل دهیاری به‌عنوان نهادی محلی و غیردولتی در کشور از جمله اقداماتی است که به‌منظور سپردن امور روستائیان به خود آنان صورت گرفته است. با وجود آنکه جوامع روستایی از گذشته‌های دور به‌صورت سنتی به

نوعی دارای مشارکت‌های جمعی و گروهی بوده‌اند (صفی‌نژاد، ۱۳۵۳)، اما یکی از چالش‌های جدی در این ارتباط عبارت است از نبود تشکیلات لازم محلی و ابزار مدیریتی صحیح و سازمان یافته که بتواند از یک سو به ترغیب و هدایت مشارکت و دخالت روستائیان در تعیین و پیشبرد بهتر امور بپردازد و از سوی دیگر ضمن تنظیم صورت نیازها و تقاضاهای آنان، به هماهنگی‌های مدیریتی و بین‌سازمانی امور عمرانی و توسعه‌ای روستاها اهتمام ورزد (سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). ایجاد نهادی به نام دهیاری که به لحاظ قانونی دارای وظایفی مشخص بوده و حیطه تعامل آن با شوراها و نهادهای دولتی تعریف شده باشد، خود موضوع جدیدی است که می‌تواند به‌عنوان نهادی نوپا و تجربه مدیریتی جدید در روستاها مورد واکاوی قرار گیرد. با این حال، با وجود مزایایی که تشکیل دهیاری‌های روستایی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد، به‌نظر می‌رسد که این گروه با مشکلات و چالش‌هایی نیز مواجه باشند. عدم تعامل با اعضای شوراها و یا برعکس وابستگی غیرمتعارف به شوراها و تأثیرپذیری از آن‌ها، عدم تعامل با مدیران اجرایی، عدم پذیرش از سوی جامعه روستایی، عدم همکاری روستائیان، پایین بودن تخصص دهیاران، عدم آشنایی دهیاران با قوانین و مقررات موجود و کمبود درآمد و عوارض مأخوذه از روستائیان از مهم‌ترین این چالش‌ها به شمار می‌روند.

نهاد دهیاری در شهرستان ایوان در سال ۱۳۸۲ پای گرفت که با کمی تأخیر فعالیت جدی خود را از سال ۱۳۸۳ شروع کرد و به‌موجب آن روستاهای بالای ۵۰ خانوار (۲۵۰ نفر) صاحب دهیاری شدند. طبق آمار برگرفته از فرمانداری شهرستان ایوان در سال ۱۳۸۸ تعداد ۱۶ دهیاری در سطح شهرستان فعالیت دارند که از این تعداد، ۹ دهیاری در بخش مرکزی و ۷ دهیاری در بخش

دنیای امروز مبتنی بر تعاون، همیاری، همکاری و جامعیت در فعالیت‌های اقتصادی و تحرکات اجتماعی است. نیل به آستان توسعه بر این مبنا مستلزم وجود و گسترش نظام‌های رهبری مناسب است، تا جایی که امروزه نظام‌های رهبری محلی را می‌توان کلید تحقق اهداف و استراتژی‌های توسعه دانست. روستاها نیز به‌عنوان اولین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها، دارای سازمان اجتماعی و مدیریت خاص خود هستند که لازم است در برنامه‌های گوناگون توسعه مدنظر قرار گیرد.

مدیریت روستایی در ایران با توجه به تاریخ سیاسی و پرفراز و نشیب کشور تحولات زیادی را به خود دیده است، اما به‌طور کلی آن‌را به چهار دوره مشخص تقسیم می‌کنند (طالب، ۱۳۷۶: ۵): ۱- قبل از انقلاب مشروطیت ۲- از انقلاب مشروطیت تا اصلاحات ارضی ۳- از اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی ۴- از انقلاب اسلامی تاکنون. طبق یکی از اصول اولیه جغرافیا که می‌گوید "همه چیز بر همه چیز تأثیر دارد، منتها تأثیر آن‌هایی که نزدیک‌ترند، بیشتر است (Longley et al., 2005: 65)", در اینجا نیز به دوره چهارم که از لحاظ زمانی به دوره کنونی نزدیک‌تر است پرداخته می‌شود.

شرایط بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایجاب می‌نمود که نهادهایی منطبق بر آرمان‌های انقلاب در روستاها به وجود آید تا بتواند اوضاع روستاها را سامان بخشد. با تشکیل جهاد سازندگی و تصویب قوانین مربوط به احیاء و واگذاری اراضی (هیأت‌های هفت نفره) و همچنین بنیاد مسکن انقلاب اسلامی روستائیان کشور با نهادهایی تازه آشنا شدند. نخستین تغییر با تصویب قانون تشکیلات شورای اسلامی کشور در سال ۱۳۶۱ روی داد که بر اساس آن اداره امور روستاها به‌عهده شورای اسلامی روستا گذاشته شد. در سال ۱۳۷۱ نیز قانون

زرنه مستقرند. در این پژوهش هر ۱۶ دهیاری فعال در سطح شهرستان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از آنجا که ارزیابی جوانب مختلف فعالیت‌های دهیاری‌های شهرستان ایوان می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها منجر شده و به‌عنوان تجربه‌ای در برنامه‌های آتی مدنظر قرار گیرد، لذا تحقیق حاضر بدنبال یافتن پاسخ برای سؤالات زیر است:

۱. تعامل دهیاران با مردم، شوراها و نهادهای دولتی چگونه بوده است؟
۲. عملکرد دهیاران در چه مواردی قوی و در چه زمینه‌هایی ضعیف بوده است؟
۳. تحصیلات و آموزش تا چه اندازه در عملکرد دهیاران نقش داشته است؟
۴. دهیاران به عنوان مدیران اجرایی روستاها با چه چالش‌هایی مواجه هستند؟

پیشینه تحقیق

توسعه روستایی فرایندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب پذیر روستایی است. فرایندی که با بهره‌گیری از ساز و کارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خودتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستائیان تلاش می‌کند که در آن‌ها قدرت، توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان را بوجود آورد تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجودشان را به مناسب و مطلوب تغییر دهند (ازکیا، ۱۳۸۴، ۳۷).

اهداف اقتصادی، اجتماعی، طبیعی و سیاسی توسعه می‌تواند در جوامع مختلف، متفاوت باشد ولی اصول کلی آن همراه ساختن جامعه روستایی با سیاست‌های دولت و به‌دنبال آن استفاده از روستا به‌عنوان منبع قدرتی پایدار است (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۵۴). توسعه در

شوراها مجدداً مورد بازنگری قرار گرفت. با تصویب قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی در خرداد ۱۳۷۵ زمینه برگزاری انتخابات شوراها فراهم شد. در سال ۱۳۷۷ اولین دوره انتخابات شوراها برگزار گردید که به موجب آن کلیه شوراهای قبلی منحل و شوراهای جدید به استناد قانون تشکیل و شروع به فعالیت کردند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۲۰). تشکیل شوراهای اسلامی اقدامی بسیار مؤثر در فرایند مشارکت مردم در توسعه نواحی روستایی به حساب می‌آید ولی از آنجا که شورا یک نهاد مشورتی و نظارتی بود و در زمینه اجرایی موفقیت چندانی نداشت، لذا در سال ۱۳۷۷ با تصویب مجلس شورای اسلامی به وزارت کشور اجازه داده شد به منظور اداره امور روستاها، سازمانی به نام "دهیاری" با توجه به موقعیت محل و با درخواست اهالی روستا و به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل در روستاها تأسیس نماید. دهیاری در این مصوبه نهاد عمومی غیر دولتی محسوب می‌شد. بدین‌سان در سال ۱۳۸۰، اساسنامه دهیاری‌ها به تصویب هیأت وزیران رسید و زمینه برای تأسیس آن‌ها فراهم گردید و برای اولین بار در سال ۱۳۸۱، دهیاری‌ها در روستاها تشکیل شدند. تأسیس این نهاد را می‌توان نشان‌های از حرکت به سوی اجرای نظام جدید مدیریت روستایی دانست که می‌تواند تحولی را در فرایند مدیریت و توسعه پایدار روستاها ایجاد کند.

قاسمی بابایی (۱۳۸۷) در ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی ۶ روستای بخش امامزاده با درود از توابع شهرستان نطنز به این نتیجه رسیده‌اند که دهیاری‌های روستایی در برخی حوزه‌ها از جمله حوزه‌های کالبدی و زیست‌محیطی موفق و گاه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی به دلیل عدم همکاری مردم و مسئولین و کمبود بودجه و اعتبارات ناکام ارزیابی کرد.

همچنین نعمتی در مقایسه دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ استان گلستان تأثیر عوامل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی بر میزان موفقیت آن‌ها در هرکدام از انواع روستاهای مذکور دارد. تحقیقات قبلی موفقیت بیشتر دهیاری‌ها در روستاهای کوچکتر را ناشی از ساختارهای اجتماعی خاص آن‌ها و در روستاهای بزرگتر را ناشی از ساختارهای اقتصادی آن‌ها به علت دارا بودن جمعیت بیشتر و دریافت سرانه اعتبار بیشتر می‌داند. قدیری معصومی و ریاحی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران مطالعه موردی: دهستان پنجهزاره در شهرستان بهشهر بسیاری از چالش‌ها و ناکامی‌های مدیریت روستایی را با عدم بینش صحیح و هدفمند در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان، فقدان منابع مالی پایدار، عدم مشارکت مردم محلی و کمبود نیروی آموزش دیده و ابزار و تجهیزات مرتبط می‌دانند.

- مؤمنی شاهکالا (۱۳۸۷) نقش آموزش دهیاران در توسعه روستایی، در شهرستان آمل، نقش آموزش دهیاران در توسعه روستایی را پررنگ‌تر دانسته و به این نتیجه رسیده که بین آموزش دهیاران و توسعه روستاها ارتباط مستقیم و مثبت وجود دارد و هر جا که آموزش بیشتر و بهتری صورت گرفته است، دستیابی به اهداف توسعه روستایی نیز از شتاب بیشتری برخوردار بوده است.

مهدوی و نجفی کانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستایی به مطالعه موردی دهیاری‌های استان آذربایجان غربی پرداختند و به نقش فعال‌تر نظارتی از سوی ارگان‌های عالی دولتی از جمله استانداری‌ها و اختصاص بودجه بیشتر برای دوره‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی برای مشارکت هرچه بیشتر مردم اشاره کرده و این عوامل را در راستای برطرف کردن نقاط ضعف دهیاری‌ها مؤثر دانسته‌اند.

منابع در اختیارشان تقویت نماید تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجودشان را به مناسب و مطلوب تر تغییر دهند (همان منبع، ۳۷).

بانک جهانی توسعه روستایی را چنین تعریف می‌کند: توسعه روستایی، راهبردی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستائیان فقیرند طراحی می‌شود. این راهبرد در پی گسترش منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند. از نظر بانک جهانی، فقرای روستایی، شامل کشاورزان خرده پا، اجاره نشین‌ها و خوش نشین‌ها است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۶۰).

البرت واترسن توسعه و عمران روستایی را یک فعالیت چند بخشی مرکب می‌داند که شامل توسعه کشاورزی و توسعه تسهیلات اجتماعی برای هر فرد روستایی می‌باشد (آسایش، ۱۳۷۹: ۲۱). توسعه روستایی دارای شاخص‌هایی می‌باشد که با محاسبه و تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌توان درجه توسعه یافتگی روستاها را مورد سنجش قرار داد. دریک تقسیم‌بندی کلی شاخص‌های توسعه روستایی به سه دسته طبقه‌بندی می‌شود که عبارتند از: ۱. شاخص‌های اجتماعی ۲. شاخص‌های اقتصادی ۳. شاخص‌های محیطی کالبدی.

در پی این شاخص‌ها هفت هدف عمده توسعه روستایی را (FAO سازمان خوار و بار جهانی) مطرح کرده است که هرکدام به نوعی بخشی از شاخص‌های توسعه روستایی می‌باشند:

۱. اولین و شاید مهم‌ترین هدف در حال حاضر دستیابی سریع به افزایش تولیدات کشاورزی است. بیشترین پیشرفت‌ها در این زمینه از پیشرفت‌های گوناگون توأم با بهره‌برداری از واریته‌های پربازده جدید، مخصوصاً گندم، ذرت و برنج بدست آمده است.

ناییجی (۱۳۸۸)، در بررسی نقش آموزش دهیاران در توسعه روستایی در شهرستان نوربا نقش مؤثر تحصیلات دهیاران و نحوه برگزاری کلاس‌های آموزشی برای آن‌ها اشاره کرده‌اند. با این حال، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که با توجه به سابقه کم تأسیس دهیاری‌ها، مطالعات فراوانی در این زمینه صورت نگرفته است. معدود کارهای انجام شده نیز عموماً مطالعاتی راجع به مدیریت روستایی است که بسیاری از آن‌ها مطالعاتی کلی، نسبتاً قدیمی و در بسیاری موارد بدون انجام مطالعه موردی و تحقیقات میدانی صورت گرفته‌اند. مقاله حاضر با هدف ارائه راهکارهایی مناسب جهت تقویت هرچه بیشتر دهیاران، این مدیران نوپای روستایی در محدوده مورد مطالعه یعنی شهرستان ایوان به ارزیابی عملکرد و بررسی میزان موفقیت یا ناکامی آن‌ها در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی روستاها پرداخته است. توسعه روستایی اشاره به فعالیت اقتصادی هدفمند که برای بهبود طراحی شده دارد، آن کیفیت زندگی در مناطق است که عموماً شامل چندین نوع تغییر نهادی در اجتماع روستایی است. این تعریف از توسعه روستایی زمینه را برای افزایش عدالت و دسترسی به فرصت‌های اقتصادی را می‌افزاید. توسعه روستایی بایستی پایدار و شامل عناصر زیر می‌باشد: کشاورزی، صنعت، نیروی کار، زیر ساخت مادی، سرمایه انسانی، زیرساخت اجتماعی و مدنی، منابع اساسی طبیعی و فرهنگی، تاریخی (ازکیا، ۱۳۸۴: ۳۳).

توسعه روستایی فرایندی چند بعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب پذیر اجتماع روستایی است. فرایندی که با بهره‌گیری از ساز و کارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی تقویت خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستائیان تلاش می‌نماید که در آن‌ها قدرت، توان، اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و

۲. دومین هدف استراتژی توسعه روستایی را باید افزایش کارایی با استفاده کامل از منابع کمیاب و اراضی دانست. عدم آگاهی و توجه نسبت به این گونه مسائل در بسیاری از کشورها به کمبود شدید و خطرناک خاک زراعی منجر شده است. سالانه میلیون‌ها تن خاک مرغوب بر اثر باران و سیل از بین می‌روند و یا در مناطق کوهستانی مورد فرسایش قرار می‌گیرند. قطع گاه و بیگاه درختان جنگلی، آب و هوای مناطق کوچک را تغییر می‌دهد.

۳. سومین هدف به کمبود منابع مادی کشورهای جهان سوم مربوط می‌شود. در اغلب کشورها بر روی کشاورزی در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری نسبتاً محدود و کمتری صورت می‌گیرد. جذب سرمایه و استفاده مؤثرتر از آن‌را باید یکی از اهداف اصولی استراتژی‌های توسعه روستایی دانست. این مشکل را نمی‌توان به آسانی حل کرد و راه‌های عملی چندانی برای مقابله با آن نیز وجود ندارد. گاهی اوقات سرمایه‌گذاری‌های وسیع در مناطق روستایی سبب ایجاد ناهنجاری‌های وسیع اقتصادی- اجتماعی می‌شود، مثلاً پذیرش ناآگاهانه مکانیزاسیون می‌تواند بر اشتغال زدایی و توزیع درآمد در مناطق روستایی فاجعه‌آمیز باشد بدون اینکه به افزایش سطح تولید کمک چندانی کرده باشد.

۴. ایجاد فرصت‌های شغلی برای کارگران غیرماهری که تعداد آن‌ها در جامعه روز به روز بیشتر می‌شود. بیکاری پنهان مخصوصاً در مناطق روستایی می‌تواند بحران‌ساز باشد.

۵. توزیع مجدد درآمد: توزیع مجدد درآمد یکی دیگر از اهداف اصولی توسعه است. رشد اقتصادی در چند دهه اخیر بیانگر این مطلب است که بازدهی کلی قابل افزایش می‌باشد ولی این امر موجب ناعادلانه‌تر شدن توزیع درآمد میان گروه‌های مردمی مختلف می‌شود و البته رشد کشاورزی از این امر مستثنی نیست. اگر واقعاً توزیع عادلانه‌تر را یکی از اهداف توسعه بدانیم باید

استراتژی‌های در برگیرنده اقداماتی در این زمینه نیز باشند. کشاورزان و کارگران بی‌زمین و مهاجرت‌های فصلی کارگران باید جزئی از هر طرح مربوط به توسعه باشد.

۶. ارتقای سطح زندگی جمعیت‌های روستایی: این امر با تعقیب یک استراتژی اساسی مبتنی بر نیازهای اولیه اجتماعی نظیر بهداشت، محیط فیزیکی، فرصت‌های اجتماعی و محرومیت زدایی مادی، ایجاد اشتغال و بهبود شرایط کاری، پیش بینی برای آسودگی خاطر و نیز توسعه فردی از طریق یادگیری عملی می‌شود. افزایش تولید و حتی افزایش درآمد، به تنهایی و به خودی خود نمی‌تواند به مفهوم بهبود کیفیت زندگی روستائیان از نظر رفاه مادی، تغذیه، آموزش، امنیت، فراغت خاطر، آرامش فکری و انسجام تلقی شود.

۷. مشارکت در سطح جامعه: آخرین نکته اینکه ما معتقدیم نظارت مردم محلی بر روی مسائل مربوط محل خود، یکی از مفاهیم توسعه روستایی است و این به معنای کمک به آن‌ها برای مشارکت در روند امور سیاسی، تصمیم‌گیری و افزایش مهارت‌های مربوط به چگونگی رفع مشکلات می‌باشد. هر فرد در پنج جنبه مختلف زندگی یعنی خود، خانواده، زمان، شغل و اجتماع دارای مسئولیت و در هریک از این محدوده‌های نیازمند کمک دیگران است، توانایی مشارکت صحیح در سطح جامعه، راه را برای تحقق هرچه بهتر اهداف فوق‌الذکر بازمی‌کند و زمینه را برای مشارکت واقعی مردم در فرآیند توسعه فراهم می‌آورد. (فائو، ۱۳۷۱: ۲۷)

تعریف رهبری و مدیریت

کار توسعه در دنیای امروز مبتنی بر تعاون، همیاری، همکاری و جامعیت در فعالیت‌های اقتصادی و تحرکات اجتماعی می‌باشد. نیل به آستان توسعه بر این مبنا مستلزم وجود و گسترش نظام‌های رهبری در زمینه‌ها، موضوعات و مواضع استراتژیک برنامه‌های توسعه و

رهبر، به یک تعریف، کسی است که سبب تسهیل کارگروه در نیل به هدف رهبری می‌شود. به عبارت دیگر، وی تسهیل‌گر نیل به مقصود است. احیاناً تنها راه را نمی‌یابد، بلکه وسایل طی آن و رسیدن به فرجام آن را نیز فراهم آورد (صاحب الزمانی، ۱۳۴۸: ۸۶).

اهداف مدیریت روستایی

هدف مدیریت روستایی دستیابی به توسعه و به‌دنبال آن توسعه پایدار روستایی است. پس مدیریت روستایی دارای نقاط مشترکی با اهداف توسعه روستایی و توسعه پایدار است. این اهداف مشترک عبارتند از:

- ۱- تأمین نیازهای اساسی؛
- ۲- افزایش تولید و امنیت غذایی؛
- ۳- کاهش فقر؛
- ۴- افزایش در آمد؛
- ۵- حفظ محیط زیست؛
- ۶- توسعه فرصت‌های شغلی؛
- ۷- افزایش مشارکت و اعتماد به نفس؛

این اهداف مشترک مبتنی بر اصول بنیادینی است که هیچ کشوری نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد؛ یعنی برآیند این اصول و اهداف باید منجر به عدالت - به‌ویژه عدالت مکانی - شود. (فیروزنیا و افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۴۳) بنابراین هدف کلان مدیریت روستایی، حرکت برای رسیدن به وضعیت مطلوب با استفاده از توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در روستا، هم سو با بهبود وضعیت جامعه روستایی است. (طالب، ۱۳۷۶: ۶) یکی از اهداف پایه‌ای مدیریت روستایی برطرف کردن نیازهای اولیه روستائیان است. از آنجا که انسان‌ها براساس جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند و محیطی که از آن تأثیر می‌پذیرند دارای نیازهای متفاوتی‌اند، مدیریت روستایی در روستاهای مختلف به شکل متفاوتی عمل می‌کند و الگوی مدیریتی ثابتی برای تمام روستاها استفاده نمی‌شود، در نتیجه نقش هر یک از

عمران می‌باشد و این موجودیت آن قدر با اهمیت است که نظام‌های رهبری محلی را می‌توان کلید تحقق اهداف و استراتژی‌های توسعه دانست. پدیده رهبری یا مدیریت را در زمینه‌های مختلف می‌توان به‌صورت‌های گوناگون تعریف کرد. ولی آنچه در تعریف رهبری در هر زمینه مشترک است عبارت است از فن، هنر و یا علم نفوذ کردن یک نفر بر گروهی از مردم، و یا به‌عبارتی دیگر رهبری را می‌توان نظامی متصور شد که در قالب آن یک فرد به‌عنوان رهبر وظیفه هدایت، راهنمایی و ارشاد عده‌ای را بر عهده می‌گیرد تا به تبع فن دانی، هنردانی و یا علم دانی خود، ضمن اعمال نفوذ بر افکار و اندیشه‌ها و احساسات آنان، پندار و رفتار و کردار ایشان را در جهت اهدافی مشخص، سمت و سوی بخشد یا عملاً تحت تأثیر افکار، اندیشه‌ها و احساسات خود درآورد. بنابراین اینکه ((نفوذکردن)) در مردم فن است، هنر است یا علم، و یا فن و هنر است، یا فن و علم است و یا هم فن، هم هنر و هم علم است، از موارد دیالکتیکی در مبحث رهبری در دنیای امروز است.

ضرورت وجود مدیریت و رهبری در جامعه از بدیهیات اولیه است زیرا حرکت جامعه به سوی تکامل و پیشرفت نیازمند رهبری و مدیریت همه جانبه و دقیق است. مدیریت به نیروها جهت و انگیزه می‌دهد و هرگونه سازماندهی کنترل و هماهنگی در سایه‌ی مدیریت صورت می‌پذیرد. روستاها نیز به‌عنوان اولین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها، دارای سازمان اجتماعی و مدیریت بودند. لکن مدیریتی با مفهوم گسترده‌تر و متفاوت با آنچه که امروزه تحت عنوان علم و یا فن مدیریت تدریس می‌شود مطرح است (طالب، ۱۳۷۶: ۵).

در یک تعریف رهبری بوسیله ناصرالدین صاحب الزمانی چنین آمده است:

سه نهاد دولت، بازار و مردم در مدیریت روستایی با توجه به سطح توسعه جامعه روستایی متفاوت است.

تعریف و مفهوم ارزیابی

تعریف‌های مختلفی از ارزیابی ارائه شده است. بعضی از مؤلفان ارزیابی را تا حد فرایند و روش اندازه‌گیری تقلیل داده‌اند. بعضی دیگر آنرا ارزشیابی میزان دستیابی به اهداف عینی برنامه‌ها و سیاست‌ها تعریف کرده‌اند. بعضی از محققان ارزیابی را مترادف با قضاوت حرفه‌ای در رابطه با ارزش نتایج برنامه‌ها و سیاست‌ها می‌دانند. با توجه به اینکه برنامه سندی سیاسی است، بعضی از محققان ارزیابی را نیز فعالیت سیاسی می‌پندارند.

ارزیابی عبارتست از بررسی و آزمایش یک طرح، برنامه یا یک فرایند برنامه‌ریزی طراحی که در چارچوب ارزش معیار و ضوابط تعیین شده باشد (شبتانی، ۱۳۸۵: ۵۳).

وردن و ساندز به طور کلی ارزیابی را تعیین ارزش چیزها تعریف کرده‌اند. اما کیز و همکارانش تعریف جامع و روشنی از ارزیابی برنامه ارائه داده‌اند. طبق تعریف آن‌ها، ارزیابی، برنامه قضاوت آشکار درباره ارزش تمام یا قسمتی از یک برنامه به وسیله جمع‌آوری اسناد و مدرک برای تعیین این مطلب است که آیا اهداف برنامه مطابق با استانداردهای مورد قبول تحقق پیدا کرده است یا خیر؟ (انتظاری، ۱۳۸۵: ۳۹)

در عصر کنونی تحولات شگرف دانش مدیریت وجود نظام ارزیابی را اجتناب ناپذیر نموده است به گونه‌ای که فقدان نظام ارزیابی در ابعاد مختلف سازمان اعم از ارزیابی در استفاده از منابع و امکانات، کارکنان، اهداف و استراتژی‌ها را به‌عنوان یکی از نشانه‌های بیماری‌های سازمان قلمداد می‌نماید.

هر سازمان به‌منظور آگاهی از میزان مطلوبیت و مرغوبیت فعالیت‌های خود بالاخص در محیط‌های پیچیده و پویا نیاز مبرم به نظام ارزیابی دارد. از سوی دیگر فقدان

وجود نظام ارزیابی و کنترل در یک سیستم به معنای عدم برقراری ارتباط با محیط درون و برون سازمان تلقی می‌گردد که پیامد آن کهولت و نهایتاً مرگ سازمان است. بروز پدیده مرگ سازمانی به علت عدم وقوع یکباره آن ممکن است از سوی مدیران عالی سازمان‌ها احساس نشود لکن مطالعات نشان می‌دهد فقدان نظام کسب بازخورد، امکان انجام اصلاحات لازم برای رشد، توسعه و بهبود فعالیت‌های سازمان را غیر ممکن می‌نماید و سرانجام این پدیده، مرگ سازمانی است.

از نگاهی دیگر با ملاحظه نظام آفرینش می‌توان دریافت که ارزیابی در بطن آن قرار دارد. وجود نظام بسیار موزون در جهان، حکایت از حلقه بازخورد کاملاً حساب شده دارد. نظام ارزیابی به‌عنوان یکی از عناصر این حلقه مطرح است. هر چند ممکن است بشر به علت نقص دانش و اطلاعات قادر به تعیین آن نباشد. از آنجا که اساساً قوام و دوام یک سیستم منوط به وجود نظام ارزیابی و کنترل می‌باشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که به‌دلیل رابطه مستقیم ارزیابی و کنترل با بقا و حیات یک سیستم لازم است ارزیابی عملکرد هم در بعد سازمانی، فردی و... به‌صورت جدی دنبال شود (طبرسا، ۱۳۷۸: ۲).

تعریف و مفهوم ارزیابی عملکرد

از واژه ارزیابی عملکرد تعاریف بسیاری ارائه شده است. به‌منظور درک صحیح هر پدیده یا موضوع لازم است آن پدیده تعریف شده تا برداشت و فهم مشترکی از آن حاصل شود. موضوع ارزیابی عملکرد نیز از این قاعده مستثنی نیست. بیبای به نقل از ولف می‌گوید:

«ارزیابی فرایند جمع‌آوری و تفسیر نظام‌دار شواهدی است که در نهایت به قضاوت ارزشی با چشم داشت به اقدامی معین بیانجامد» در این تعریف چهار عنصر کلیدی وجود دارد. اول آنکه استفاده از اصلاح نظام‌دار بیانگر آن است که اطلاعات مورد نیاز به درجه‌ای از دقت تعریف

در حقیقت واژه‌ای قدیمی است که از اصطلاح فرانسوی *gouverner* مشتق شده است (قلیچی، ۱۳۸۵: ۱۹۳). مفهوم حکمروایی از اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد متون جامعه‌شناسی سیاسی و اداره امور محلی شد و دلالت بر موضوع یا محتوای قدیمی درباره رابطه قدرت و جامعه داشت. اما امروزه این واژه غالباً برای تشریح نحوه مناسب اعمال قدرت به منظور تحقق توسعه پایدار به کار برده می‌شود (اطهاری، ۱۳۸۶: ۳۲) حکمروایی به ساده‌ترین بیان به چگونگی ارتباط بین شهروندان و حکومت اشاره دارد. در نظریه حکمروایی، کارآمدی حکومت تابعی از چگونگی ارتباط با شهروندان با حکومت است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۴). بانک جهانی، حکمروایی را سنت‌ها و نهادهای اعمال قدرت همسو با مصلحت عمومی جامعه، فرایند انتخاب، نظارت و تعویض صاحبان قدرت، ظرفیت توانایی حکومت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست و احترام شهروندان و حکومت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آن‌ها را اداره می‌کنند تعریف می‌کند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۳۵۲).

حکمروایی خوب که رویکرد جدید اداره امور عمومی است، در قلمرو فراملی، ملی و محلی کاربرد گسترده‌ای یافته است. یکی از ابعاد منطقه‌ای حکمروایی، حکمروایی محلی است که به کیفیت اداره امور محلی در حوزه‌های شهری و روستایی اشاره دارد. مفهوم حکمروایی محلی، وسیع‌تر از حکومت محلی (واحد سیاسی و سازمانی قانونی در قلمرو محلی) و بیانگر اقتدار سیاسی، اقتصادی و مدیریتی به وسیله شبکه‌ای از کنش‌گران رسمی حکومت محلی، بخش خصوصی و نهادهای محلی در حوزه‌های شهری و روستایی است. آنچه که محلی بودن حکمروایی را تعیین می‌کند میزان مشارکت مؤثر شهروندان و کنش‌گران محلی در تعیین آرمان‌ها و خواسته‌های محلی

می‌شود و تلاش برای به دست آوردن آن‌ها با برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. دومین عنصر تعریف بیبای «تفسیر شواهد» گاهی در ارزیابی نادیده گرفته می‌شود. اطلاعات جمع‌آوری شده در هر زمینه ارزیابی، خواه ناخواه تفسیر می‌شوند تا سومین عنصر یعنی «قضاوت ارزشی» شکل بگیرد. ارزیابی از حد توصیف فراتر می‌رود. عامل ارزیابی براساس اطلاعاتی که جمع‌آوری کرده است به تفسیر آن‌ها می‌پردازد و قضاوت ارزشی می‌کند. اگر فعالیت جمع‌آوری اطلاعات و تفسیر آن‌ها به «داوری ارزشی» ختم نشود ارزیابی صورت نگرفته است. آخرین عنصر تعریف با چشم داشت به اقدامی معین است ارزیابی اگر به اقدام منتهی نشود، چیزی جز اتلاف منابع نخواهد بود. (طبرسا، ۱۳۷۸: ۱۵).

در صورت اجرای صحیح نظام ارزیابی عملکرد به خصوص در بخش‌های دولتی دستاوردهای متعددی به شرح ذیل برای دولت یا سازمان موضوع ارزیابی حاصل خواهد شد:

- ۱- توسعه فرایند هدف گذاری صحیح.
- ۲- تقویت فرایند بهبود دائمی.
- ۳- استفاده بهینه از منابع بخصوص منابع انسانی سازمان.
- ۴- ارتقای توان دستیابی سازمان به اهداف و در نتیجه اثر بخشی آن.
- ۵- تصمیم‌گیری دقیق تر مسئولین به واسطه مشخص شدن نقاط قوت و ضعف عملکردها.
- ۶- افزایش مشارکت جامعه با مجموعه دولت به واسطه آگاهی آن‌ها از عملکرد دولت.
- ۷- افزایش مشارکت کارکنان در امور، نهادینه شدن پذیرش تغییر و تحول در جامعه و به تبع آن در مجموعه دولت (خداداد حسینی، انور رستمی، ۱۳۸۲: ۲۹).

مفهوم حکمروایی و حکمروایی خوب

بررسی پیشینه نظری مفهوم حکمروایی نشان می‌دهد که اگرچه این مفهوم در سال‌های اخیر اهمیت یافته، اما

و تلاش مشترک برای تحقق اهداف و خواسته‌های جامعه محلی است (ماری، ۲۰۰۳: ۲۲). در حکمروایی محلی، شبکه‌ای از کنش‌گران حکومت محلی، بخش خصوصی، تشکل‌های غیردولتی، مدنی و نمایندگان دولت مرکزی، اولویت‌ها و مسائل محلی را شناسایی و برای تحقق خواسته‌ها و رفع مشکلات با یکدیگر تشریک مساعی می‌کنند (زاهدی، ۱۳۸۶: ۱۸۳). بنابراین حکمروایی محلی، اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری در مدیریت امور جامعه محلی و شامل ساز و کار و جریان‌ها و نهادهایی است که از طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌ها علائق‌شان را ابراز و حقوق قانونی‌شان را اعمال می‌کنند، تعهداتشان را انجام می‌دهند و به تعدیل تفاوت‌هایشان می‌پردازند (زیست بوم سازمان ملل، ۲۰۰۲: ۹).

می‌توان گفت، حکمروایی خوب روستایی فرایند تأثیر گذاری همه ارکان اثرگذار روستایی است برمدیریت روستایی با تمام سازوکارهایی که به سوی تعالی روستا و مردم روستایی حرکت می‌کنند. بر پایه این تعریف، تصمیم‌گیری درباره توسعه روستایی باید توسط همه کسانی انجام گیرد که در آن مؤثر و ذینفع هستند و می‌باید بر پایه‌های عدالت، آزادی و حق انتخاب روستائیان استوار باشد. برای تحقق این امر، باید اختیارات برنامه ریزی و تصمیم‌گیری بیش از پیش به نهادهای اجتماعات محلی، نهادهای غیرحکومتی، شوراهای محلی و غیره ... واگذار شود و در این صورت است که در حکمروایی خوب روستایی یا نظام اداری مردمی خوب که آن را یکی از الزامات اساسی توسعه پایدار منطقه ای و محلی می‌دانند، مردم روستایی از یک روستایی انفعالی به یک روستایی فعال و مسئولیت پذیر تبدیل می‌شوند (sarrafi,2004: 73-98).

در چنین حالتی چنانچه رهیافت حکمروایی خوب روستایی در جامعه روستایی ایران قابلیت اجرا پیدا کند،

آزادی و کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و پایداری زیست محیطی، توسعه نهادهای محلی برای امنیت اجتماعی، اتکا و سرمایه‌های اجتماعی، توجه به مبانی تولیدی درون منطقه‌ای، توانمندسازی روستائیان و ... تحقق پیدا خواهد کرد (sarrafi,2004: 1-28).

محدوده مورد مطالعه

شهرستان ایوان شمالی‌ترین شهرستان استان ایلام با مساحت ۹۰۳ کیلومترمربع است که ۴/۴۸ درصد از مساحت استان را شامل می‌شود. شهرستان ایوان با مرکزیت شهر ایوان شامل ۲ بخش، ۴ دهستان، ۲ کانون شهری و ۷۲ پارچه آبادی مسکونی است که از شمال و غرب به شهرستان گیلان‌غرب، از شرق به شهرستان شیروان چرداول و از جنوب به شهرستان ایلام محدود است. مطابق سرشماری ۱۳۸۵ جمعیت شهرستان ۴۷۹۵۸ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۲۲). شهرستان ایوان علاوه بر شهر ایوان، دارای یک نقطه شهری دیگر به نام زرنه و چهار مرکز دهستان به نام‌های سراب، نبوت، کلان و زرنه است. با توجه به رابطه موجود بین اندازه جمعیت سکونتگاه‌ها و عملکرد آن‌ها، هیچ یک از مراکز سکونتگاهی موجود در پهنه شهرستان ایوان، برتری عملکردی نسبت به مرکز شهرستان ندارند. بنابراین، شهر ایوان مهمترین مرکز جمعیتی ناحیه است که حوزه نفوذ خدماتی آن کل شهرستان را در بر می‌گیرد.

مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در این تحقیق اسنادی - پیمایشی است. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده مستقیم و داده‌های آماری رسمی می‌باشد. سؤالات پرسشنامه‌ها با دو روش باز و بسته طراحی و اطلاعات بدست آمده با دو روش آماری توصیفی و تحلیلی به منظور رد یا اثبات فرضیه‌ها تجزیه و تحلیل شده‌اند. جامعه آماری در این پژوهش شامل

روستاهای بخش مرکزی و ۸۰ نفر (۴۰٪) از روستاهای بخش زرنه انتخاب شدند. بررسی ترکیب جنسی و سنی پاسخگویان حاکی از وجود ۱۳۷ مرد (۶۹٪) و ۶۳ زن (۳۱٪) در این جامعه نمونه است. تعداد نسبتاً زیاد پاسخگویان زن در این تحقیق نشان از علاقمندی آنان به مشارکت و همکاری در اجرای پروژه‌های روستایی است. ترکیب سنی جامعه نمونه نیز نشان از مشارکت ۶۸٪ (۱۳۶ نفر) جوانان، ۲۸٪ (۵۵ نفر) میانسالان و ۴٪ (۹ نفر) سالخوردگان دارد. به لحاظ ترکیب شغلی، ۱۶ درصد (۳۲ نفر) پاسخگویان زارع، ۸ درصد (۱۵ نفر) دامدار، ۲ درصد (۴ نفر) باغدار، ۹ درصد (۱۸ نفر) کارمند، ۵۰ درصد (۱۰۰ نفر) شغل آزاد و ۱۵ درصد (۳۱ نفر) دارای سایر مشاغل بوده‌اند. ضمناً ۳۷ درصد پاسخگویان (۷۴ نفر) به لحاظ سطح سواد دارای تحصیلات کمتر از دیپلم، ۳۸ درصد (۷۶ نفر) دیپلم، ۱۴ درصد (۲۹ نفر) فوق دیپلم و ۱۱ درصد (۲۱ نفر) لیسانس و بالاتر بودند.

همانطور که بیان شد جامعه نمونه این تحقیق متشکل از دو گروه: (۱) روستائیان و (۲) دهیاران بوده است. خلاصه ویژگی‌های جامعه دهیاران نیز به این صورت است که ۹ نفر (۶۰٪) از روستاهای بخش مرکزی و ۷ نفر (۴۰٪) از روستاهای بخش زرنه انتخاب شدند. طیف سنی دهیاران از ۲۸ تا ۴۷ سال است. هفت نفر از آنان دارای مدرک دیپلم، شش نفر فوق دیپلم و سه نفر لیسانس و بالاتر بودند. ضمناً در زمان انجام این پژوهش، تمام ۱۶ نفر دهیار در روستاهای محل خدمت خود ساکن بوده‌اند و در آخر اینکه ۵ نفر از آنان علاوه بر دهیاری دارای شغل دوم هم بوده‌اند.

ارزیابی عملکرد دهیاران در تعامل با مردم، شوراها و

نهادهای دولتی

در این پژوهش به صورت عملیاتی منظور از تعامل، گویه‌های پنجگانه (۱) اجرای تصمیمات شورا (۲) پذیرش

دهیاری‌های مستقر در ۱۶ روستای شهرستان ایوان با ۲۲۳۵ خانوار است که در دو بخش مرکزی با ۹ دهیاری و بخش زرنه با ۷ دهیاری پراکنده‌اند. با توجه به تعداد زیاد خانوارها، برای انتخاب تعداد متناسبی از نمونه‌ها، از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شده است. براساس این فرمول تعداد ۱۹۷ خانوار بدست آمد که برای افزایش دقت آماری و نیز سراسر کردن تعداد نمونه‌ها به ۲۰۰ خانوار تغییر داده شد. سهم هر روستا با توجه به تعداد خانوار مستقر در آن از کل نمونه مشخص شد، سپس انتخاب خانوارها به روش کاملاً تصادفی در داخل روستاها صورت پذیرفت تا شانس انتخاب شدن برای تمام نمونه‌ها برابر باشد. پرسشنامه دهیاران هم به صورت تمام شمار توزیع شد. از آنجا که واحد تحلیل این تحقیق خانوارهای روستایی و دهیاران بودند لذا از دو پرسشنامه مختلف برای جمع آوری اطلاعات موردنظر استفاده شد:

۱- پرسشنامه خانوار ۲- پرسشنامه دهیاران.

برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی برای طبقه‌بندی داده‌ها به صورت جداول تک بعدی و چند بعدی و برای استدلال و تحلیل از توزیع فراوانی، میانگین و نسبت‌ها استفاده شده است. همچنین از آمار استنباطی برای آزمون فرضیات از روش‌های (۱) Man-Whitney U که متناسب برای مقایسه دو گروه رتبه‌ای به لحاظ یک متغیر است (۲) Wilcoxonw که متناسب برای مقایسه سه گروه یا بیشتر رتبه‌ای داده گروهی یا دو گروه از لحاظ چند متغیر است و (۳) آزمون Z برای استانداردسازی استفاده شده است. برای انجام بسیاری از مراحل فوق از نرم‌افزارهای SPSS و Excel استفاده شده است.

یافته‌ها

ویژگی‌های عمومی جامعه نمونه

به لحاظ توزیع جغرافیایی، از ۲۰۰ پاسخگوی روستایی مورد مصاحبه در این پژوهش، تعداد ۱۲۰ نفر (۶۰٪) از

دهیار از سوی اهالی روستا (۳) همفکری بین دهیار و شورا (۴) پذیرش دهیار توسط ارگان‌های دولتی و (۵) نظارت و همکاری مسئولان با دهیار می‌باشد. نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها و نظرسنجی مردم در این خصوص نشان داد که ۸ درصد مردم تعامل بین دهیاران با مردم، شوراها و نهادهای دولتی را بسیار قوی، ۴۷ درصد این تعامل را قوی، ۳۰ درصد متوسط، ۱۱ درصد ضعیف و ۴ درصد هم بسیار ضعیف ارزیابی کرده‌اند. این ارقام را می‌توان نشانه دیدگاه مثبت مردم نسبت به تعامل دهیاران با مردم، شوراها و ارگان‌های دولتی دانست.

ارزیابی عملکرد دهیاران در امور اجتماعی

در این پژوهش، مهمترین گویه‌های امور و وظایف اجتماعی دهیاران عبارت بودند از: (۱) انتقال خواسته‌های مردم روستا به مسئولین (۲) شناسایی خانواده‌های بی سرپرست (۳) جذب مشارکتهای مردمی (۴) اطلاع رسانی و ارائه گزارش به مردم روستا و (۵) قضاوت و داوری در حل مشکلات خانوادگی در سطح روستا، که در مجموع تعداد ۸۵ نفر (۳۹ درصد) نسبت به سوال مربوط به توانایی دهیار در جذب مشارکتهای مردمی نظر مثبت داشته‌اند.

ارزیابی عملکرد دهیاران در اموراتصادی

در این پژوهش مهمترین گویه‌های اقتصادی از دیدگاه مردم عبارت بودند از: (۱) توان دهیار در اخذ عوارض (۲) همکاری با کشاورزان در جهت معرفی محصولاتشان (۳) بالا بردن کیفیت خدمات اداری توسط دهیار (۴) ایجاد انگیزه برپایی کارگاههای تولیدی (۵) ایجاد و توسعه صنایع دستی در روستا (۶) مساعدت در جهت تأمین مواد سوختی. به‌طورکلی ۳۱ نفر (۱۴ درصد) از پاسخگویان بر این عقیده بودند که دهیاران در ایجاد کارگاههای تولیدی نقش اساسی‌تری نسبت به دیگر امور اقتصادی داشته‌اند.

ارزیابی عملکرد دهیاران در امور کالبدی

مهمترین گویه‌های بخش کالبدی از دیدگاه مردم عبارت بودند از: (۱) حفظ و نگهداری اموال و تأسیسات عمومی توسط دهیار (۲) حفظ نظافت و ایجاد مقررات بهداشتی (۳) نظارت بر امر ساخت و ساز در سطح روستا (۴) تأمین و تملک اراضی مورد نیاز دهیاری (۵) توزیع مناسب مصالح ساختمانی. نتایج پرسشگری نشان داد که تعداد ۶۴ نفر معادل ۳۰ درصد افراد پاسخگو بر این عقیده بوده‌اند که عملکرد دهیاران در امور کالبدی مناسب بوده است.

ارزیابی عملکرد دهیاران در امور آموزشی

مهمترین گویه‌های آموزشی عبارت بودند از: (۱) ارتقای سطح آموزش عمومی (۲) اثر بخشی آموزشها (۳) اثرگذاری تحصیلات و سواد دهیار در انجام وظایف. در این ارتباط تعداد ۵۰ نفر (۲۵ درصد) بر این عقیده بوده‌اند که ارائه دوره‌های آموزشی در عملکرد دهیاران تأثیر مثبت داشته است.

ارزیابی عملکرد دهیاران با توجه به چالش‌های فراروی آنها

در این پژوهش چالش‌های فراروی دهیاران هم از دیدگاه روستائیان و هم از دیدگاه خود دهیاران بررسی شده است. بدین ترتیب مهم‌ترین گویه‌های مربوط به چالش‌های فراروی دهیاران از دیدگاه مردم عبارت بودند از: (۱) پذیرش پایگاه اجتماعی دهیار (۲) جانبداری دهیار از بستگان و روابط قومی و قبیله‌ای (۳) ضعف امکانات دهیاری (۴) ترکیب نامناسب دهیار و شورا.

از دیدگاه خود دهیاران مهم‌ترین چالش‌ها عبارتند از: (۱) اختلافات قومی و قبیله‌ای در بین اهالی روستا (۲) عدم مشارکت اهالی روستا در جلسات عمومی (۳) عدم مشارکت اهالی روستا در کمک نقدی و یدی (۴) عدم مشارکت اهالی روستا در اجرای هر چه بهتر پروژه‌ها

- عدم مطابقت قوانین وضع شده با شرایط فعلی زندگی مردم.

- عدم هماهنگی لازم برای صدور پروانه ساختمانی با بنیاد مسکن به خصوص مرحله پایان کار ساختمان.

- اگر دهیاری‌ها به‌طور مستقیم زیر نظر ارگان یا نهاد خاص مدیریت می‌شدند از مدیریت شورا بهتر بوده و دهیاری‌ها باید از طرف دولت به امکانات مورد نیاز مجهز شوند.

- دهیاری از طرف نهاد قانون‌گذار به‌عنوان نهادی مستقل و مردمی تعریف شده است اما نه مردم توان تأمین منابع متضمن استقلال دهیاری را دارند و نه دولت عملاً مایل است قانون دهیاری‌ها را به رسمیت بشناسد.

- دهیاری به‌عنوان بازوی اجرایی شورا در مناطق روستایی به علت عدم آشنایی شوراها با وظایف و جایگاه خود به ملعبه‌ای در دستان شورا تبدیل و به جای اینکه با اطمینان خاطر در خدمت اهداف مربوط به منافع مردم باشد درصدد رفع تعارضات خود با شوراهاست. بنابراین راه برون رفت از وضعیت توأم با روزمرگی فوق اصلاح قانون شوراها و واگذاری و تفویض نظارت بر دهیاری‌ها به دولت البته با برخورداری از منابع مالی دولت به‌صورت رسمی و سالیانه خواهد بود.

- متناسب با شرایط و نیازمندی‌های جاری روستا قوانین وضع شود.

- دهیار باید ماندگار و به‌صورت دائمی باشد تا به بهترین نحو احسن روستا را اداره کند. مشکلات دهیاری در امورات مربوط به روستا: ۱- عدم آگاهی و شناخت مردم در پرداخت عوارض زباله و همکاری با دهیاری ۲- عدم کمک‌های مالی از سوی ادارات مربوط جهت خدمت رسانی بیشتر به مردم ۳- نداشتن ماشین حمل زباله مختص روستا که قطعاً در بهداشت روستا مؤثر است.

- توجه به ثبات شغلی دهیاران

۵) عدم مشارکت اهالی روستا در پرداخت عوارض
۶) عدم مشارکت اهالی روستا در اجرای تصمیمات
۷) عدم تحقق وعده‌های مسئولین (۸) عدم تأثیر قوانین در رفع مشکلات (۹) مشکلات پیش روی دهیاران :
مشکلات اقتصادی مردم، عدم آگاهی و شناخت مردم، عدم تناسب قوانین با نیازهای مردم، اختلاف نظر روستائیان و کمبود حمایت‌های دولت.

ارزش‌گذاری گویه‌های در نظر گرفته شده به‌عنوان چالش برای دهیاران، از دیدگاه روستائیان بدین صورت بوده است: ۳ درصد بسیار کم، ۱۷ درصد کم، ۵۲ درصد متوسط، ۲۵ درصد زیاد و ۳ درصد بسیار زیاد. در حالی که به نظر دهیاران ۶ درصد بسیار کم، ۱۲ درصد کم، ۴۴ درصد متوسط، ۲۵ درصد زیاد، ۱۳ درصد بسیار کم پاسخ داده‌اند. در بین هر دو گروه چالش‌ها در سطح متوسط ارزیابی شده‌اند. از سوی دیگر مهم‌ترین چالش از دیدگاه مردم ضعف امکانات دهیاری با ۵۲ درصد و از دیدگاه دهیاران مهم‌ترین چالش مشارکت اهالی روستا در پرداخت کمک‌های نقدی و یدی بوده است.

میانگین رتبه‌ها

در این بخش با توجه به میانگین رتبه‌ها همه امور (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، آموزشی و چالش‌ها) ارزش‌گذاری شده‌اند که بخش اقتصادی بیشترین نقش را با رتبه ۱۹۷ بخود اختصاص داده است. بعد از آن تعامل و آموزش با ۱۵۱، اجتماعی با رتبه (۱۴۷) و چالش‌ها (۸۰) در رده آخر قرار گرفته است (رجوع کنید به جدول ۱).

در کل می‌توان گفت که ریشه اصلی این مشکلات و روابط علت و معلولی از این قرار بوده است:

- اشکال در این است که دهیار بعد از ۴ سال خدمت صادقانه توسط شورای جدید استیضاح می‌شود و دهیار دلخواه خود را انتخاب می‌کنند.

- دهیاری می‌بایستی اهرم حمایتی از جانب دولت داشته باشد و از نظر حقوقی و مشکلات حقوقی جایگاه مشخصی داشته باشد و بتواند از کارشناسان حقوقی و مراجع بالاتر مشاوره لازم را کسب نماید.

-دهیاری‌هایی که فعلا در حال فعالیت در شهرمان هستند به نام دهیاری خودکفا و خودگردان بوده ولی با توجه به شرایط زندگی مردم شهرمان و سطح درآمد آن‌ها (کم درآمد) و نبود کارخانجات و شرکت‌های دولتی در منطقه دهیاری نمی‌تواند آن‌طور که باید و شاید مثل دهیاری‌های

جنوب کشور یا استان‌های صنعتی(اصفهان، تهران و آذربایجان) درآمدزایی داشته باشند در نتیجه به علت عدم ممکن انتظارات مردم نسبت به دهیاری تحقق پیدا نمی‌کند. در این قسمت با توجه به میانگین رتبه‌ها همه امور (تعامل، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، آموزشی و چالش‌ها) ارزشگذاری شده‌اند که بخش اقتصادی بیشترین نقش را با رتبه ۱۹۷ به خود اختصاص داده است. بعد از آن تعامل و آموزش با ۱۵۱، اجتماعی با رتبه ۱۴۷ و چالش‌ها با رتبه ۸۰ در رده آخر قرار گرفته است (جدول ۱).

متغیر	تعداد	میانگین رتبه	جمع رتبه
تعامل	مردم	۸۲	۱۶۴۰۰
	دهیاران	۶۹	۱۱۰۴
	کل	۱۵۱	۳۲۶۱۶
اجتماعی	مردم	۱۰۹	۳۱۸۰۰
	دهیاران	۳۸	۶۰۸
	کل	۱۴۷	۳۱۷۵۲
اقتصادی	مردم	۹۳	۱۸۶۰۰
	دهیاران	۱۰۴	۱۶۶۴
	کل	۱۹۷	۴۲۵۵۲
کالبدی	مردم	۷۳	۱۴۶۰۰
	دهیاران	۴۶	۷۳۶
	کل	۱۱۹	۲۵۷۰۴
آموزشی	مردم	۸۸	۱۷۶۰۰
	دهیاران	۶۳	۱۰۰۸
	کل	۱۵۱	۳۲۶۱۶
چالش	مردم	۳۹	۷۸۰۰
	دهیاران	۴۱	۶۵۶
	کل	۸۰	۱۷۳۸۰

ج ۱. میانگین رتبه‌ها.

در سطح معناداری قرار دارند به این صورت که در بخش تعامل ۰/۰۲، و در بقیه زمینه‌ها صفر بوده است.

آزمون فرضیات

فرضیه اول با توجه به سوال اول مبنی بر اینکه در تعامل با نهادهای دولتی و شوراها عملکرد دهیاران چگونه بوده است، تدوین و توسط دو گروه مردم و دهیاران آزموده شد. براساس جدول ۲ مقدار آماره آزمون و همچنین مقدار معنادار بودن آزمون که ۰/۰۰۲ محاسبه

با توجه به پرسشنامه‌های طراحی شده برای هر دو گروه روستائیان و دهیاران از روش‌های Man-Whitney U، Z، Asymp. Sig. (2-tailed) و ویلکاکسیون استفاده شده است. برای انجام تمام این روش‌ها نرم‌افزار SPSS به‌کار گرفته شده است.

در جدول ۲ از آزمون آماری من ویتنی یو استفاده شده و در آخر سطح معناداری تمامی زمینه‌ها آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد که با احتمال ۹۵ درصد تمامی زمینه‌ها

و چالش‌هایی مواجه می‌باشند، تدوین شده است. با توجه به جدول ۲ که در سطح معناداری ۰/۰۰۰ قرار دارند و رقم محاسبه شده رقمی پایین‌تر از آلفای ۰/۰۵ درصد را نشان می‌دهد. در نتیجه این فرضیه نیز تأیید می‌شود. پرداخت عوارض، پرداخت خودیاری (کمک مالی) و عدم تحقق وعده‌های مسئولان به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌ها معرفی شده‌است.

نتیجه

به نظر می‌رسد با تشکیل شوراهای اسلامی روستایی و تأسیس دهیاری‌ها بخشی از مشکلات مدیریت در سطح روستاها که ناشی از نادیده گرفتن مقتضیات اجرایی و تغییرات مداوم ساختاری بود، به اتمام رسیده است. اما مسائلی همچنان باقی مانده که لازم است تا نسبت به حل و کاهش آن‌ها اقدام نمود. عمده این مسائل به نوبت بودن تشکیلات دهیاری‌ها بر می‌گردد. بخشی از موفقیت یا ناکامی آن‌ها به تعامل با نهادهای دولتی و پذیرش و مشارکت از سوی جامعه روستایی وابسته است که آزمون فرضیات نشان از برقراری تعامل مثبت دهیاران محدوده مورد مطالعه با شوراها و نهادهای دولتی دارد. از نگاه پاسخ‌گویان در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی دهیاران عملکرد بهتری نسبت به بخش کالبدی داشته‌اند.

پرداخت عوارض، پرداخت خودیاری (کمک مالی)، عدم تحقق وعده‌های مسئولان و کمبود امکانات دهیاری به‌عنوان مهمترین چالش‌ها از دید دهیاران و مردم معرفی شده است. این موضوع تا حدی به این قضیه می‌تواند مربوط باشد که روستائیان هر چیز تازه واردی را با دیده شک و تردید می‌نگرند و خیلی دیر می‌پذیرند. در همین ارتباط، جامعه روستایی معتقد است که مسائل قومی و قبیله‌ای تأثیر بسزایی در انتخاب دهیاران از سوی شوراها داشته و میزان جانبداری دهیاران از وابستگان فامیل در جامعه نمونه به کرات مورد اشاره قرار می‌گرفت.

شده، و با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده رقمی پایین‌تر از آلفا ۰/۰۵ را نشان می‌دهد، می‌توان پذیرفت که دهیاران در تعامل با نهادهای دولتی و شوراها موفق عمل کرده‌اند. در نتیجه فرضیه رد می‌شود.

فرضیه دوم در راستای سوال دوم مبنی بر اینکه عملکرد دهیاران در چه زمینه‌هایی قوی و در چه زمینه‌هایی ضعیف بوده، تدوین شده است و در سه زمینه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

چالش	آموزشی	کالبدی	اقتصادی	اجتماعی	تعامل	آزمون آماری من ویتنی یو
Man-Whitney U	۲۰۸۰۰۵	۱۳۳۶۹۰	۹۳۳۳۰۵	۳۵۲۶۰۴	۲۴۷۸	
Wilcoxonw	۱۸۱۰۰	۱۳۸۰۰	۱۶۹۰۰	۳۳۶۲۰	۱۶۴۰۰	
Z	-۰.۲	-۲.۸	-۸.۵	-۵.۴	-۳.۱	
Asymp. Sig. (2-tailed)	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۲	

ج ۲. نتایج آزمون‌های آماری.

با توجه به جدول ۲ هر سه زمینه در سطح معناداری ۰/۰۰۰ قرار دارند و چون رقم محاسبه شده رقمی پایین‌تر از آلفای ۰/۰۵ درصد را نشان می‌دهد، می‌توان پذیرفت که دهیاران در هر سه زمینه به‌طور یکسان عمل کرده‌اند، در نتیجه فرضیه رد می‌شود.

بررسی **فرضیه سوم** که براساس سوال سوم مبنی بر تأثیر سطح تحصیلات و میزان آموزش دهیاران در موفقیت آن‌ها تدوین شده، نشان می‌دهد که این فرضیه در سطح معناداری ۰/۰۰۰ قرار دارد و رقم محاسبه شده رقمی پایین‌تر از آلفای ۰/۰۵ درصد را نشان می‌دهد، می‌توان پذیرفت که سطح تحصیلات در افزایش موفقیت دهیاران نقش بسزایی داشته است و بنابراین فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم براساس سوال چهارم مبنی بر اینکه دهیاران به‌عنوان مدیران اجرایی روستاها با چه مشکلات

ارزیابی‌ها همچنین نشان می‌دهند که عدم شناخت و آگاهی مردم، مشکلات اقتصادی مردم، ابهام در وضعیت شغلی و استخدامی دهیاران، کمبود امکانات دهیاری، کمبود بودجه و اعتبارات، عدم توانایی شخص دهیار و عدم همکاری مردم از مشکلات اصلی پیش روی دهیاران می‌باشد و در آخر اینکه بین آموزش تخصصی و عمومی دهیاران و عملکرد آن‌ها رابطه مثبت وجود دارد. به‌طور کلی در محدوده مورد مطالعه افزایش تعامل، آموزش و تحصیلات بر عملکرد دهیاران تأثیر مثبت داشته است، و مشکلات و چالش‌ها به‌عنوان عوامل بازدارنده و منفی عمل کرده‌اند. بنابراین، مسئولین امر و متولیان امور روستایی در شهرستان ایوان می‌توانند در برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های روستایی خود این نکات را مدنظر قرار دهند.

در پایان می‌توان گفت که در کشور پتانسیل‌های خوبی برای پیاده‌سازی حکمروایی خوب روستایی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از وجود قشر تحصیل کرده، وجود انگیزه بالا، تأسیس و عملکرد مناسب دهیاری‌ها و شوراهای روستایی، تمایل و انگیزه مردم و تجارت خوب جهانی که اغلب در دسترس می‌باشند. با این همه برخی موانع تاکنون مانع تحقق بهینه الگوی حکمروایی خوب روستایی شده‌اند که عبارتند از ساختار متمرکز کشور، عدم تمایل مسئولان و نگرش منفی نسبت به حضور نهادهای تصمیم‌گیر در کنار نهادهای دولتی، هزینه‌های احتمالی اجرای این گونه مدل‌ها اعم از مالی و معنوی.

در بیشتر کشورهای جهان حکمروایی در سطوح شهری مطرح شده است و لذا از مشکلات حکمروایی خوب روستایی، شهری بودن ابزارها و اجزای آن است. همچنین دانش و آموزش کمی در بین مردم روستایی و متخصصان نسبت به مفهوم حکمروایی روستایی وجود دارد.

لذا رضایت شغل، سطح تحصیلات، سبک مدیریت و تجربه دهیار چهار متغیر هستند که تأثیر مثبتی بر نمایه

حکمروایی روستایی دارند. رضایت از شغل نشان‌گر علاقه در جهت کسب موفقیت است و افراد دارای رضایت شغلی بیشتر، کمتر به دنبال تغییر شغل و خواهان استمرار فعالیت در موقعیت فعلی خود هستند. لذا این می‌تواند در افزایش عملکرد دهیاری و به تبع آن حکمروایی روستایی تأثیرگذار باشد (میزان تحصیلات) نگرش افراد به امور و چگونگی برخورد با مسائل و مشکلات راه بسیار تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حقیقت تحصیلات نقش کاتالیزور دارد و اهرم بسیار قدرتمندی در تصمیم‌گیری و فعالیت‌های افراد است (سبک مدیریت) از دیگر متغیرهایی است که تأثیر مثبت و مستقیمی بر نمایه حکمروایی روستایی دارد.

(استقرار و تجهیز دهیاری) که معرف تملک ساختمان، تجهیز اداری آن و تجهیز دهیاری به ماشین آلات مرتبط است می‌تواند باعث بهبود نمایه حکمروایی روستایی شود. به این صورت که پتانسیل بیشتری برای اجرای پروژه‌های عمرانی و خدماتی و در نتیجه ارتقای نمایه حکمروایی روستایی دارد.

فهرست منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات. تهران.
- آسایش، حسین (۱۳۷۹)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی، انتشارات پیام نور.
- انتظاری، یعقوب (۱۳۸۵)، ارزیابی عملکرد نظام ملی دانش در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی
- پاپلی یزدی، محمدحسین و محمد امیر ابراهیمی (۱۳۸۱)، نظریه‌های توسعه روستایی، چاپ اول، سمت. تهران.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، قومس. تهران.
- رستمی، انور، حسینی، خداداد (۱۳۸۲)، طراحی نظام ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

- مطبعی لنگرودی، سیدحسن (۱۳۸۲)؛ برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

- مؤمنی شاهکلا، مصطفی (۱۳۸۷)، مطالعه و تحلیلی بر نقش آموزش دهیاران در توسعه روستایی شهرستان آمل. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس. تهران.

- مهدوی، مسعود و علی اکبر نجفی کانی (۱۳۸۴)، دهیاری ها: تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران، نمونه موردی: دهیاری های استان آذربایجان غربی، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی. شماره ۵۳. مؤسسه جغرافیا دانشگاه تهران.

- نائیچی، مصطفی (۱۳۸۸)، نقش آموزش دهیاران در توسعه روستایی بخش چمستان شهرستان نور. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

- وایلز، کیمبل (۱۳۷۲)، مدیریت و رهبری آموزشی، ترجمه محمدعلی طوسی، چاپ چهارم، مرکز آموزش مدیریت دولتی تهران.

-Athari K.,2008,Good Governance and Necessary of Public Affair Reclamation, jostarha-e- shhari Quarterly, No.,19-20,Pp.32-37

-Fateminia, S.,2008,Citizenship Culture: Incarnate Good Governance, Efficiency Organization and Active Citizen, Quarterly journal of social Wellfar,No,26,Pp35-58

-Ghlichi,H.,2006,Book Review of Governance, Policy and Government, john Peter, Interior policy Magazine,No.1,Pp.193-206

-Lacky,S.,D.Freshwater and A. Rupasingha,2002,Factors Influencing Local Government Cooperation in Rural Areas: Evidence from the Tennessee Valley, Economic Development Quarterly; 16; 138-154

-Longley, P. A, Michael F. Goodchild, David J. Maquire and David W. Rhind (2005), Geographic Information Science. 2nd ed. WILEY, New York.

-Midri,A.,j. Kheikhahan,2005,Good Governance,The Foundation of Development, The Research Center of Islamic Consultative Assenmbly Pub,Tehran.

-Sarrafi,Mozaffar,2004;Public administration system, underlying the development of rural communities in Iran; based on Hamadan province`s rural studies, Rural Development Congress, Tehran, publication of Highter Institute of Education and Research for Management and Planning

-Zahedi,Sh.,2008,Sutainable Development,Samt pub, Tehran.

-سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور (۱۳۸۵)، مجموعه قوانین و مقررات دهیاری ها، چاپ سوم، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور. تهران.

-سعیدی، عباس (۱۳۸۹)، ده مقاله در شناخت سکونتگاه های روستایی، نشر مهرمینو، تهران.

- سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)(۱۳۷۱)؛ یادگیری و زندگی، آموزش برای خانوارهای روستایی کشورهای جهان سوم، ترجمه غلامحسین صالح نسب، معاونت ترویج و مشارکت روستایی وزارت جهاد سازندگی، انتشارات مطبوعات.

- شبستانی، امیرحسین (۱۳۸۵)؛ ارزیابی طرح جامع شهرها، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

-صاحب الزمانی، ناصر (۱۳۴۸)؛ دیباچه ای بر رهبری، انتشارات مؤسسه عطائی.

-صفی نژاد، جواد (۱۳۵۳)، بنه، انتشارات توس. تهران.

-صیادی، سیداسکندر (۱۳۸۸)، برنامه ریزی روستایی در ایران، جهاد دانشگاهی اصفهان. اصفهان.

-طالب، مهدی (۱۳۷۶)، مدیریت روستایی در ایران، چاپ دوم، دانشگاه تهران. تهران.

-طبرسا، غلامرضا (۱۳۷۸)؛ بررسی و تبیین نقش اقتضانات استراتژیک در انتخاب یک الگوی ارزیابی عملکرد سازمان های دولتی، انتشارات سازمان امور اداری استخدامی کشور

-فیروزنیا، قدیر و رکن الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲)؛ جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب نظران، انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران

-قاسمی بابایی، حمیدرضا (۱۳۸۷)، ارزیابی عملکرد دهیاری ها در توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در روستاهای بخش امامزاده بادرود از توابع شهرستان نطنز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

-قدیری، معصوم و مجتبی ریاحی (۱۳۸۴)، بررسی محورها و چالش های مدیریت روستایی در ایران. نشریه پژوهش های جغرافیایی، مؤسسه جغرافیا دانشگاه تهران.

-مخبر، عباس (۱۳۶۵)، برنامه ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی (ترجمه)، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، وزارت برنامه و بودجه تهران.

-مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان ایوان.